



جبهه مقاومت
کمترین توفقی نخواهد داشت

صفحه ۲



موضع پکن
درباره بر خورد ایران و اسرائیل

صفحه ۱۰

فلاحت‌پیشه در گفت‌و‌گو با «مردم سالاری»:

باید به سیاست خارجی شعار گونه پایان داد

صفحه ۳

اسنوار

اسطوره‌ای که هرگز نمی‌میرد

گروه سیاسی – فخری سادات مسچی: رسانه‌های رژیم صهیونیستی روز چهارشنبه از شهادت یحیی السنوار رئیس دفتر سیاسی حماس در منطقه‌ای در جنوب رفح (مرز میان غزه و مصر) در درگیری تن به تن میان وی‌نظامیان ارتش این رژیم خبر دادند. این رژیم سپس عکس‌ها و فیلم‌هایی از پیکر این شهید و مبارزه وی تا آخرین لحظه را تصویر کرد. این وضعیت، از طرفی باعث حزن و اندوه و از طرفی دیگر باعث غرور و افتخار جبهه مقاومت شد. روز جمعه نیز...

صفحه ۲

لقمه‌های سمی

در بوفه‌های چرب

یک فوق تخصص گوارش و کبد، از نقش بوفه مدارس در بروز بیماری کبد چرب گفت. کبد چرب به دلیل کم تحرکی، افزایش وزن و استفاده از غذاهای پرکالری، کم فیبر و غذاهای آماده بروز می‌کند. آنچه مسلم است و می‌توان بر این ادعا تاکید و اصرار داشت، این است که کبد چرب را می‌توان سوغات زندگی صنعتی دانست که باعث تهدید سلامت جوامع شده است. در این بین، متأسفانه شاهد شیوع این بیماری در سنین کودکی و نوجوانی هم هستیم؛ در حالی که...

صفحه ۴

۸ دستور کار

اقتصادی دولت

گروه اقتصادی – حسین قبادیان: تالار شیشه‌ای بورس در روز گذشته روز خونیتری را پشت سر گذاشت بطوریکه در این بازار شاهد تشکیل صفهای طولانی برای فروش از سوی سهامداران بودیم. بازار بورس در اولین روز هفته همانند سه روز کاری قبل افت داشت و شاخص کل با کاهش بیش از ۲۴ هزار واحد به رقم دو میلیون و ۴۱ هزار واحد رسید. به گزارش «مردم سالاری»، در روز شنبه شاهد خروج ۴۶۲ میلیارد تومان نقدینگی حقیقی از...

صفحه ۶

یادداشت

پول پاشی بایدن برای دل تانیاهو

محمدکاظم سجادیپور

انتخابات ریاست جمهوری آمریکا با دو نامزد جمهوریخواه، ترامپ و دمکرات، بایدن، در فضای پرتنش داخلی و خارجی وارد مراحل حساس خود می‌شود. طبق سنت و روال معمول در ایالات متحده، مرکز ثقل مباحث و مجادلات انتخاباتی، موضوعات سیاست داخلی است. موضوعاتی چون اقتصاد، آزادی‌های فردی، سقط جنین، مهاجرت، مالیات، بازنشستگی، خدمات درمانی و بیمه و تعیین‌کننده‌ای در چگونگی‌های نهایی دارد. اما این بدان معنا نیست که مباحث سیاست خارجی کم اهمیت‌اند. درجه و میزان اهمیت مباحث سیاست خارجی، بستگی تام به چگونگی فضای بین‌المللی در آستانه انتخابات دارد. در انتخابات اخیر، چند پرونده سیاست خارجی مانند چگونگی مدیریت رقابت با چین، چگونگی مهار و شکست دادن روسیه در اوکراین و چگونگی رابطه با متحدین آمریکا، مخصوصاً اروپا مطرح‌اند اما مهم‌ترین پرونده تأثیرگذار بر انتخابات – بحران خاورمیانه و جنگ غزه و لبنان است. در یک سال گذشته، تنش‌های خاورمیانه‌ای و مخصوصاً رفتار رژیم صهیونیستی در کشتار مردم بی‌دفاع، بر روابط بین‌المللی سایه افکنده و بحران‌های دلمه‌دار خاورمیانه، بیش از هر کشوری در خارج از منطقه، بر ایالات متحده اثر گذاشته است. آمریکا در جنگ‌ها و کشمکش‌های خاورمیانه درگیر می‌باشد و طرف جدی این منازعات است. با توجه به این زاویه دید، پرسشی جدی قابل طرح می‌باشد و آن پاسخ به این سؤال ریشه پدیده به سیاست خارجی آمریکا، چگونه قابل تجزیه و تحلیل است؟ در پاسخ به این سؤال ریشه پدیده باید مد نظر قرار گیرند: «باز یگران و دستور کارهای متضاد»، «اتوانی‌های ایالات متحده در آتش‌بس» و «سرشت و سرنوشت منازعات خاورمیانه‌ای». بررسی این سه پدیده روشن می‌کند که نسبت خاورمیانه و انتخابات آمریکا، پیچیده بود و شرایط این منطقه بر انتخابات تأثیر دارد، اما میزان و درجه تأثیر را نمی‌توان به راحتی اندازه‌گیری کرد.

در معادله انتخابات آمریکا و شرایط منطقه خاورمیانه، بازیگران متعدد و رنگارنگی در قالب کشورها، سازمان‌ها و سیاستمداران وجود دارند که هر کدام از ظرفیتی برخوردار بوده و نمی‌توان اثر آنها را نادیده گرفت. از حماس تا حزب‌الله و از رژیم

یادداشت

بیانیه‌ای برخلاف حقوق بین‌الملل

کارن روحانی

روسای کشورها و حکومت‌های کشورهای عضو اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس اولین اجلاس مشترک خود را در ۱۶ اکتبر ۲۰۲۴ که بروکسل تحت عنوان «همسارکت استراتژیک برای صلح و کامیابی» برگزار نمودند. در بند ۴۶ بیانیه مشترک اجلاس در زیر عنوان ایران آمده است که: «در این رابطه مسا از ایران

بحران را ادامه می‌دهد تا ناتوانی بایدن و هریس را ثابت کند.

فراتر او بایدن را در عمل تحقیر کرده و می‌کند. دستورالعمل‌نهایی او افزایش دامنه جنگ، منطقه‌ای کردن آن و وارد کردن ایالات متحده برای تضعیف جبهه مقاومت و مخصوصاً ایران است. به‌علاوه در صورت به قدرت رسیدن ترامپ، با توجه به گرایش به راست شدید در جامعه اسرائیل و هم مرزی آن جامعه با حزب جمهوریخواه و مخصوصاً گرایش‌های نوین آن حزب، امکان ماندن در قدرت را بیشتر می‌بیند. بنابراین دستور کار فردی و ملی او، ناگام معرفی کردن بایدن و هریس است.

در واقع تیم بایدن و هریس، به‌خاطر تناقض‌های ذاتی سیاست‌های خاورمیانه‌ای آمریکا، بی‌تدرید ناتوان، حتی در برقراری آتش‌بس برای کمک‌های انسانی به صورت قابل اعتناء و جدی است. اما سرشت منازعات خاورمیانه‌ای از یک‌سو و ماهیت مهاجرتی جامعه آمریکا و همچنین ساختارهای اداری و انتخاباتی آمریکا، و مخصوصاً بودن ایالت‌های موسوم به چرخشی در تعیین وضعیت نهایی انتخابات، نسبت آمریکا، انتخابات و خاورمیانه را پیچیده‌تر می‌کند. توضیح آنکه تعداد حدود ۷ ایالت هستند که معلوم نیست به کدامین‌سو، رأی آنها را خواهند داد. ساختار اجتماعی بسیاری از ایالت‌ها سمت‌وسوی نهایی رأی آنها را تعیین می‌کند اما چند ایالت نامشخص‌اند و چرخشی و رژیم در مقابل دشمنانش جلوه می‌کند و از سوی دیگر از تلفات انسانی در غزه و فلسطین و لزوم جلوگیری از آن سخن می‌گوید. به‌علاوه، هریس، فاقد تجربه جدی بین‌المللی، مخصوصاً در عرصه مناسبات خاورمیانه است. او از فقدان یک چشم‌انداز منسجم سیاست خارجه رنج می‌برد.

در نقطه مقابل ترامپ است که در حمایت از اسرائیل، سلبانه‌ای منحصربه‌فرد داشته و از همه مهم‌تر به آزاد گذاشتن دست رژیم صهیونیستی معتقد است. هیچ ایراد و انتقاد حتی رویه‌ای را هم نسبت به آن رژیم تحمل نمی‌کند. و از همینجاست

که مهم‌ترین شخصیت خارجی و خاورمیانه‌ای مؤثر در انتخابات آمریکا یعنی تانیاهو مطرح می‌شود. آشکارا دستور کار او شکست دادن هریس و به قدرت رساندن ترامپ است. او از طریق ادامه بمباران‌ها و جنگ، درواقع دارد،

یادداشت

«وفاق»، بر ساخته‌ای موقت یا ماندگار؟

منصور انصاری

و احزاب سیاسی بر سر‌کار می‌آیند و در صورت وجود نارضایتی عمومی و بروز حرکت‌های اعتراضی گسترده در قالب سندیکاها و احزاب قدرتمند کنار می‌روند و استعفا می‌دهند.

حالی باید در کشور ما پرسید این وفاق ملی میان کدام بخش از قدرت با بخش دیگر است؟! گرچه در جستجوی مصادیق این وفاق که آن را با تنساهل می‌توان وفاق ملی نامید با این دانسته که ۵۰درصد مردم طبق آمارهای رسمی در انتخابات شرکت نکردند، می‌توان به کسب رای دسته جمعی مجلس به اعضای کابینه دولت چهاردهم اشاره کرد که خود حرکتی بی‌سابقه در ادوار گذشته مجلس از ابتدا تاکنون به شمار می‌رود؛ این اتفاق نوعی از وفاق بود که بسیاری از صاحب نظران آن را همراهی، همکاری یا وفاق تبعیثی یا اطاعتی و نیابتی می‌نامند ولی بعید به نظر می‌رسد اشکال دیگری از این نوع وفاق که طبق گفته دکتر پزشکیان منبعث از نظر موافق مقام رهبری با ترکیب کابینه حتی در مواردی به طور خاص بوده است، تکرارپذیر باشد. یعنی وفاق و همراهی جناح قدرتمند تصمیم گیر و مداخله جسو با مواردی همچون ورود ایران به اف ای تی اف یا کنوانسیون‌های پیوست آن مثلا پارلمو وجود ندارد، کما اینکه یکی از نمایندگان مجلس قبول از سوی دیگر باید گفت جامعه سیاسی اقتصادی ایران بعد از انقلاب به دلیل منافع سرشار رانتی و رانت خواری و یا رانت پاشی‌های سیاسی گسترده فسادانگیز برای یارگیری سیاسی و انحصاری به سه زبان آنان برهم زند، نمی‌پذیرند و آن را زبان بخش می‌دانند.

طبیعی است نگرشی که قدرت را مطلق و خود را جزئی از این مطلقیت بداند وفاق را که شاید موجب شود دیگران وارد دایره آن شوند، موقت، زودگذر و حسب شرایط و برای تحکیم این پدیده انحصاری و پلانماز می‌داند. تمام‌نظریه‌پردازان در حوزه قدرت مطلقه و یک دست حکومت‌ها همانند «هابس» نیز این گونه می‌اندیشند که قدرت تقسیم پذیر نیست زیرا بعضا تصور می‌کنند با کاهش میزان کمی و کیفی قدرت مطلقه‌امینیت از بین می‌رود و جنگ داخلی رخ می‌دهد.

پس می‌توان ارزیابی کرد در سایه نبود ائتلاف یا آشستی ملی یا چیزی به عنوان توافق میان احزابی باکمترین پایگاه که بسیار ضعیف هستند و اراده‌ای برای تغییر بنیادی بعضی از اصول حکمرانی مطلق ندارند؛ امکان وفاق ملی در عمل افسانه‌ای بیش نیست.

حاصل چنین وضعیتی موجب شد رفاه و تأمین معیشت مردم در دایره‌ای خارج از منافع جناح‌های سیاسی قرارگیرد و از اصل اداره کشور خارج شود و به امری فرعی و تبعی برای دست اندرکاران کسب و کار دست یابی به قدرت سیاسی، به حاشیه رانده شد و مستعمل گردید.

یعنی هرکدام از جناح‌های سیاسی قدرت‌طلب از این وسیله مستعمل شی ثبت شده نه برای خود این موضوع مهم، بلکه ابزاری برای تثبیت موقعیت خود بهره گرفتند. ممارست در این موضوع اصل توجه به رفاه عمومی را متسرک کرد، عمق این

آیا وفاق ملی یک برساخته لغوی و نه حتی مفهومی به عبارتی حرفی و شعاری در شرایط سیاسی مخمصه آمیز کنونی است و پیش از آنکه ضرورتا متکی بر بستری واقعی و موقعیتی پایدار و کاربردی برای ایجاد وحدت ملی باشد بار انتخاباتی و تبلیغاتی داشته است؟

اگر این گونه نیست، پایه و بنیان این وفاق بر چه اساسی است و چرا در حوزه جامعه شناسی تاریخی جناح‌های سیاسی اقتصادی که از همان دهه اول بعد از انقلاب به تدریج حول منافع مختلف شکل گرفتند، وفاق به عنوان یک شعار عملی و اجرایی مطرح نشد و در مقطع کنونی به میان آمد

و به طور جدی رسانه‌ای شد و چگونه این مفهوم بدون گفتمانی همه جانبه بر سر اصول مشخص و مصادیقی عملی و یا رفتاری از زبان رئیس جمهور دولت چهاردهم آن هم یک طرفه و به کرات بیان و از آن به عنوان راه حلی کارساز سخن گفته می‌شود. آیا جناح‌های سیاسی دیگر از جمله رقیب پزشکیان، موسوم به پایداری یا ترکیبی از جریانات تندرو و به قول خودشان انقلابی و سازش‌ناپذیر، این کلمه و اگر جلوتر رویم، این مفهوم با الحاق کلمه ملی به خود، چنین همراهی و هم جهتی و هم دلی را همان طوری‌که رئیس‌جمهور و دوستان اصلاح‌طلبش پذیرفته‌اند و مورد نظر آنان است را در گفتمانها یا مصاحبه‌ها و بیانات خود به صراحت مورد اشاره قرار نمی‌دهند و سخنی درباره‌اش نمی‌گویند و نه تنها درباره وفاق مورد نظر خود سخنی به صراحت در چارچوب همراهی و هم دلی نمی‌گویند مداوم برای بعضی از اقدامات حتی مصلحت‌گرایانه رئیس جمهور خط و نشان می‌کشند.

باید یادآور شد این کلمه در فرهنگ لغت دهخدا به معنی موافقت و سازگاری کردن و در گیات اللغات به معنی سازواری کردن و نه البته میان تجمع‌ها، نخله‌های فکری، جریان‌ات و یا احزاب سیاسی با نام و نشان بلکه در رابطه با مناسبات میان افراد یا پیروی و موافقت و دنبال‌روی این یا آن فرد از دیگری؛ گفته شده است.

در مفهوم این کلمه در حوزه سیاسی و فعالیت‌های مربوط به آن یا جریانات قدرت‌طلب چه اقتدارگرا چه اصلاح‌طلب در عرصه سیاست‌ورزی اشاره‌ای به موافقت یا سازگاری ملی بر سر اصول اصلی نشده است. در عالم سیاست مفاهیمی همچون آشتی ملی بعد از زد و خورد یا ائتلاف آن هم میان احزاب متداول است، ائتلافی مشخص و مشروط و بر سر تقسیم قدرت در حاکمیت یا دولت آنجا که دولت‌ها تمامی قدرت را در دست دارند و سمت و سوی کلی و عمده سیاست داخلی و خارجی را در اختیار دارند و تعیین می‌کنند، دولت‌هایی که با رای مردم